

سیمای حضرت رسول در آینه وحی



عبدالکریم تهریزی



این عالم خاکی قدم نهاد که بعد از چهل سال از سوی خداوند بعنوان آموزگار وحی و مربی برترین فرهنگ زیستن به اهل جهان معرفی گردید. مقارن این ولادت پر برکت در صحنه گیتی آثار شگفت‌انگیز و اسرارآمیزی رخ داد که هشداری برای حاکمان و زور مداران تاریخ به حساب آمد.

فرو ریختن ۱۴ کنگره در ایوان کسری، خاموش شدن آتشکده فارس، جریان آب در وادی سماوه بعد از

۱. بخشی از مستط مسدس شیوای ادیب الممالک فراهانی در مولود مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد مولای زمان مهتر صاحب‌دل امجد آن سید مسعود و خداوند مؤید پیغمبر محمود ابوالقاسم احمد و صفش نتوان گفت به هفتاد مجلد این بس که خدا گوید: «ماکان محمد»^۱ تولد پربرکت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله که بنا به اعتقاد علمای امامیه در ۱۷ ربیع الاول سال ۵۷۰ میلادی و مطابق با سال عام الفیل به وقوع پیوست، آغاز تولدی نوین و روز اعطای مدال سعادت و رستگاری از سوی حضرت حق برای جامعه بشریت می‌باشد. در آن روز نوزادی به

می‌باشند که هر کدام با سلیقه خاص مؤلف و از زوایای مختلفی به بررسی ابعاد زندگی و سیره آن حضرت پرداخته‌اند.

در این نوشتار سعی شده در حدّ وسع، خلق و خوی حضرتش در پرتو آیات و حیاتی قرآن بررسی شود، تا به این وسیله جان و دل خود را با آیات نور روشنایی بخشیده و از صفات ستوده محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهره‌ور شویم، چرا که بر این باوریم: زیباترین و کاملترین سیمای آن گرامی را باید در آینه کلام و حیاتی پروردگار به نظاره نشست و خصصتهای زیبای نبوت را از سرچشمه نور جستجو کرد و اگر قرار است انسان برای بهتر زیستن و به سوی سعادت ابدی رفتن به دنبال الگو و سرمشق باشد، آنرا در کاملترین و مطمئن‌ترین منابع می‌توان یافت که صفحات درخشان و زرین آن در بلندای تاریخ و در تارکترین لحظات آن، شاهراه انسانیت را روشن نموده است. خداوند متعال فرمود:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۱

سالهای طولانی خشکی، سرنگون شدن بتها در مکه و سایر نقاط عالم، خشک شدن دریاچه ساوه، پرتوافشانی نوری از وجود آن گرامی در آفاق آسمانها و خوابهای وحشتناک انوشیروان و موبدان، از جمله علائم خارق العاده و از نشانه‌های هشدار دهنده‌ای بود که مقارن تولد پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جهان حادث شد که در منابع معتبر تاریخی و جوامع مورد اعتماد حدیثی از آنها یاد شده است.

در مورد زندگی، سیره و سخن و خلق و خوی آن وجود گرامی آثار و مجموعه‌های ارزشمندی از سوی دانشمندان و محققین پدید آمده است که هر کدام به نوبه خود قابل تحسین و تقدیر است. السیره النبویه: ابن هشام، السیره النبویه: ابن کثیر، حیاة النبی و سیرته، سیره المصطفی: عبدالزهره عثمان محمد، سیره المصطفی: هاشم معروف الحسنی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، نهایة المسئول فی روایة الرسول، سیری در سیره نبوی، فروغ ابدیت، شرف النبی و حیاة القلوب، ج ۲، برخی از این مجموعه‌های نبوی

همانا من برای به سامان رساندن فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.»

ابراز محبت و مهرورزی آن حضرت نه تنها شامل دوستان و اهل ایمان می‌شد، بلکه مخالفین آن بزرگوار نیز از اخلاق نرم و شفقت‌آمیز آن گرامی بهره‌مند بودند و این سبب جذب آنان به سوی اسلام می‌گردید. به همین جهت خداوند متعال رسول گرامی‌اش را تحسین کرده و فرمود:

﴿وَأَنَّكَ لَآتَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۳

«و یقیناً تو دارای اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی.»

۲- دلسوزی برای اهل ایمان

کسانی که خود را وقف اصلاح جامعه کرده و برای سعادت افراد آن از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند و با دلسوزی و عشق و علاقه به انجام وظایف محوله می‌پردازند، بدون تردید جایگاه خود را در جامعه و دل‌های مردم تحکیم بخشیده و ارتباط

«مطمئناً برای شما در [رفتار و گفتار] رسول خدا ﷺ سرمشق نیکو [و کاملی] می‌باشد.»

۱- نرم‌خویی و مهربانی

از منظر قرآن کریم یکی از شاخصترین ویژگی‌های حضرت رسول ﷺ، اخلاق زیبا و برخورد شفقت‌آمیز با دیگران بود. آن بزرگوار با داشتن این خصلت ستودنی توانست در طول ۲۳ سال، دل‌های بسیاری را به خود شیفته کرده و به صراط مستقیم هدایت نماید، در حالی که هیچ قدرتی توان چنین کار شگفتی را نداشت. خداوند متعال این عامل اساسی را چنین شرح می‌دهد: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾^۱

«به برکت رحمت الهی در برخورد با مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.»

اساساً آن حضرت بر این باور بود که فلسفه بعثت برای تکمیل مکارم اخلاق است و می‌فرمود: ﴿إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ﴾^۲

۱. آل عمران/۱۵۹.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۸؛ فتح الباری، ج ۶،

ص ۴۱۹.

۳. قلم/۴.

نزدیکتری با مخاطبان خود پیدا می‌کنند، در نتیجه مردم به آنان به دیده احترام نگریسته و اعتماد کرده و به آسانی گفته‌ها و خواسته‌هایشان را می‌پذیرند. مردم عاشق کسانی هستند که بدون هیاهو بدنبال اصلاح جامعه و رفع گرفتاریهای آنان باشند.

اگر این دلسوزی و خدمات بی‌ریا، مخلصانه و فقط برای رضای خداوند عالم باشد، نتیجه آن مضاعف و توفیق در کار حتمی و قطعی خواهد بود.

توبندگی چو گدایان به شرط مزد ممکن

که خواجه خود روش بنده پروری داند
این ویژگی در رهبران الهی و پیشوایان جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن مجید پیامبر گرامی اسلام را با این خصلت پسندیده معرفی کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^۱

«همانا فرستاده‌ای از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت و راهنمایی شما دارد و نسبت به مؤمنان

دلسوز و مهربان است.»

خداوند متعال به کسانی که دلسوزی و مهربانی رسول اکرم ﷺ را نوعی ساده لوحی قلمداد می‌کردند و اغماض و چشم پوشیهای آن وجود گرامی را در مورد افراد خطاکار سطحی نگری انگاشته و سخنانی ناروا در مورد پیامبر به زبان می‌آوردند چنین می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنُ قُلِّ أَدْنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ بِالْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲

«از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او گوشی است. (آدم خوش باوری است!) بگو: خوش باور بودن او به سود شماست، او به خدا ایمان دارد و [تنها] مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای مؤمنان شما رحمت است، اما کسانی که رسول خدا ﷺ را می‌آزارند عذاب دردناکی در پیش دارند.»

دلسوزی حضرت خاتم الانبیاء به حدی بود که گاهی از شدت غصه و

۱. توبه/۱۲۸.

۲. توبه/۶۱.

بشر هستم.» در آیه دیگری خداوند متعال می فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ»^۱؛

«پیامبری از خود شما برایتان آمده است.»

افزون بر مردمی بودن، آشنایی و آگاهی و لمس واقعیت‌های پنهان جامعه از خصلت‌های بارز آن حضرت بود.

البته میان امثال پیامبر اکرم ﷺ و کسانی که با شعار محرومیت زدایی به عرصه‌های رهبری و هدایت جوامع وارد می‌شوند اما خود طعم تلخ محرومیت و گرفتاری را نچشیده‌اند و درک این واقعیت‌ها برایشان سخت و غیر ملموس است فرق زیادی وجود دارد. آنان اگر هم بخواهند در این رابطه درست عمل کنند موفق نخواهند شد، اما کسانی که این مشکلات و محرومیت‌ها را از نزدیک لمس کرده‌اند، درد و رنج طبقات محروم جامعه را که معمولاً بالای ۵۰٪ جامعه می‌باشند، بهتر و راحت‌تر درک می‌کنند. قرآن کریم

ناراحتی در آستانه هلاکت قرار می‌گرفت. رسول مکرّم اسلام نه تنها از انحراف و کج‌رویهای برخی از مسلمانان آزرده خاطر می‌شد، بلکه از گمراهی و نادانی نامسلمانان نیز در رنج و عذاب بود. تا اینکه خداوند متعال از دلسوزی رسول خویش چنین یاد می‌کند: «فَلَمَّا كَبُخِ تَفْسِكُمْ عَلٰى اٰثَارِهِمْ اِنْ لَمْ يُؤْمِنُوْا بِهٰذَا الْاٰحْدَثِ تَسْفٰهُنَّ»^۲؛

گویی می‌خواهی به خاطر اعمال [ناروای] آنان، اگر به این گفتار ایمان نیاوردند، خود را هلاک کنی.

۳- آشنایی با درد مردم

توفیق در مدیریت جامعه به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از مهمترین آنها آشنایی با مشکلات و گرفتاری‌های طبقات محروم اجتماع می‌باشد. پیامبران الهی عموماً و پیامبر اسلام خصوصاً از چنین خصلت والایی برخوردار بودند. آنان خود را از مردم می‌دانستند و هیچگونه امتیاز و تَفَوُّقِ بر خویشان نسبت به سایر اقشار جامعه قائل نبودند. پیامبر اسلام ﷺ می فرمود: «اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلَكُمْ»^۳ «همانا من هم همانند شما

۱. کهف/۶.

۲. فصلت/۶؛ کهف/۱۱۰.

۳. توبه/۱۲۸.

بار و سخت زندگی پیامبر ﷺ به آن حضرت سفارش می کند که: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ»؛^۳ «یتیم را از خود دور نکن و درخواست کننده را از خود مران.»

رسول خدا ﷺ در هنگام هجرت به مدینه نیز در مقابل فریادهای دعوت دهها نفر از اهالی مدینه، در زمینی که به یتیمان تعلق داشت فرود آمد و کانون اسلام را در همانجا متمرکز نمود که بعدها به مسجدالنبی و مرکز حکومت اسلامی تبدیل شد و تصمیمات مهم جهان اسلام در همانجا اتخاذ گردید.

۴- صبر و بردباری

گذری کوتاه به تاریخ پیامبران الهی نشان می دهد که آنان در راه اعتلای کلمه توحید و انجام رسالت خویش با سختترین موانع روبرو بوده اند، همچنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ»؛^۴ همانا که انبیاء الهی سختترین

می فرماید: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ غَائِلًا فَأَعْتَىٰ»؛^۱ «آیا تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! و تو را گم شده یافت و هدایت کرد و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود.»

حضرت خاتم الانبیاء ﷺ در مقابل مرفهین بی دردی که از او می خواستند از طبقات محروم فاصله بگیرد، این آیه را تلاوت می کرد: «وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛^۲

«من هرگز مردم با ایمان را [گرچه در ظاهر محروم و بی چیز و نیازمند باشند] از خود دور نخواهم کرد.»

آری رسیدن به مقام نبوت اوصاف برجسته ای می طلبد که یکی از آنها مردمی بودن و آشنایی با حقوق محرومان است. کسی که می خواهد دین آسمانی او جاودانه بماند و برای هر قوم و ملتی و در هر عصر و زمانی به کار آید لازم است که خود باریشه های ناعدالتی و فقر و محرومیت از نزدیک تماس داشته باشد تا در بلندای تاریخ بتواند ندای عدالت خواهی و محرومیت زدایی را به گوش جهانیان برساند. قرآن با یادآوری دوران مشقت

۱. ضحی ۶۱، ۸۷.

۲. هود/۲۹.

۳. ضحی ۹، ۱۰.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲.

گرفتاریها را داشته‌اند.» اما در این میان حضرت خاتم الانبیاء ﷺ بیش از سایر انبیاء در معرض بلاها و آزمایشات سخت قرار گرفت. آن حضرت در این مورد می‌فرماید: «لَمَّا أُوتِيَ نَبِيٌّ مِّثْلَ مَا أُوتِيَ^۱؟»

هیچ پیامبری همانند من مورد آزار و اذیت قرار نگرفت.»

اما تحمل و بردباری پیامبر اکرم ﷺ در برابر کوه مشکلات که از هر سو به آن حضرت روی می‌آورد و موانع گوناگونی که هر یک می‌توانست سد راه اهداف بلند حضرتش باشد، تمام دشمنان و مخالفین سرسخت آن حضرت را به زانو در آورد.

استاد شهید مطهری رحمته الله علیه در این زمینه می‌نویسد: «اراده و استقامتش بی نظیر بود. از او به یارانش نیز سرایت کرده بود. دوره ۲۳ ساله بعثتش یکسره درس اراده و استقامت است. او در تاریخ زندگی‌اش مکرر در شرایطی قرار گرفت که امیدها از هرجا قطع می‌شد، ولی او یک لحظه تصور شکست را در مخیله‌اش راه نداد. ایمان نیرومندش به موفقیت، یک لحظه

متزلزل نشد.»^۲

گاهی خداوند متعال برای تقویت روحیه صبر و مقاومت رسول گرامیش می‌فرمود: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ^۳؛»

«پس صبر و بردباری پیشه کن، آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.»

رسول اکرم ﷺ در سخن ارزشمندی پایداری و مقاومت و اراده آهنین خود را در راه هدف به نمایش گذاشت و هنگامی که حضرت ابوطالب پیشنهاد مشرکین را مبنی بر خودداری آن حضرت از ابلاغ پیام آسمانی خویش به وی بیان کرد، به عمویش ابوطالب چنین فرمود: «يَا عَمُّ أَوَّاهٌ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي يَسَارِي عَلَيَّ أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يُظَهِّرَهُ اللَّهُ أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ، مَا تَرَكْتُهُ^۴؛»

ای عمو! به خدا سوگند اگر آنان

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۷.

۲. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۷.

۳. احقاف/ ۳۵.

۴. السيرة النبوية، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۴.

**تحمل و بردباری پیامبر
اکرم صلی الله
علیه و آله در برابر کوه
مشکلات که از هر سو به آن
حضرت روی می آورد و
موانع گوناگونی که هر یک
می توانست سد راه اهداف
بلند حضرتش باشد، تمام
دشمنان و مخالفین
سرسخت آن حضرت را به
زانو در آورد.**

کرد. هرگز همداستانی دشمنان که او را
دروغگو خواندند، او را از (آن دعوت
به حق و کوشش در راه استقرار دین
اسلام) باز نداشت و تلاش آنان برای
خاموشی نور رسالت نتیجه نداد.»

۵- عبودیت

بندگی و خضوع در مقابل حق

خورشید را در دست راستم و ماه را در
دست چپم قرار دهند که از دعوت
آسمانی خود دست بردارم هرگز
نخواهم پذیرفت تا اینکه یا خداوند
دین مرا پیروز کند و یا اینکه جانم را در
راه آن از دست بدهم.»

و این چنین بود که حضرت
محمد صلی الله
علیه و آله با تحمل مشکلات و صبر و
پایداری توانست دین مبین اسلام را به
جهانیان اعلام کند. انواع گرفتاریها و
نامالیقات، صدمات جسمی و روحی،
قرار گرفتن در معرض انواع اتهامات از
قبیل: ساحر، مجنون، آشوبگر و سایر
موانع راه پیامبر، با دو عامل ایمان به
هدف و استقامت و پشتکار در راه
رسیدن به آن، قابل تحمل بود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این مورد
می فرماید: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
دَعَا إِلَى طَاعَتِهِ وَفَاهَرَ أَعْدَاءَهُ جِهَادًا عَنِ دِينِهِ،
لَا يَشْتَبِيهِ عَنِ ذَلِكَ اجْتِنَاعٌ عَلَى تَكْذِيبِهِ
وَالْتِمَاسٌ لِإِطْفَاءِ نُورِهِ!»

گواهی می دهم که محمد صلی الله
علیه و آله بنده
و پیامبر اوست، انسانها را به عبادت
خداوند دعوت نمود و با دشمنان خدا
در راه دین او پیکار نموده و مغلوبشان

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

خداوندی که قرآن را بر بنده [خاص] خود نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.»

۴- ﴿فَاَوْحِيْ اِلَى عَبْدِهِ مَا اَوْحَى﴾؛
«[در شب معراج] آنچه را که وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود.»

پیامبر گرامی اسلام ﷺ آنچنان شیفته عبادت و بندگی در بارگاه ربوبی بود که گاهی خود را فراموش می کرد و از خود بیخود می شد، تا اینکه آیه نازل شد: ﴿طه! مَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾؛

«طه! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که این قدر به زحمت و مشقت بیفتی.»
مرحوم فیض کاشانی در ذیل این آیه می نویسد: پیامبر اکرم ﷺ آنچنان در عبادت الهی حریص بود که از کثرت عبادت پاهای مبارکش متورم شده بود، تا اینکه خداوند متعال این آیه را فرستاد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: روزی

فضیلتی ستودنی است که قرآن بارها بر این صفت زیبای محمدی صلی الله علیه و آله اشاره دارد. خداوند متعال پیامبر گرامی اش را با وصف بندگی - که تمام اوصاف والای حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را تحت الشعاع قرار داده - یاد می کند و رسول گرامی اسلام نیز به عبودیت خود در پیشگاه حق همیشه افتخار می کرد.

به چند نمونه از آیاتی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را با صفت والای عبودیت توصیف می کند اشاره می کنیم:

۱- ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾؛^۱

«و اگر در آنچه که به بنده خودمان نازل کرده ایم شک دارید، یک سوره همانند آنرا بیاورید.»

۲- ﴿إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ...﴾؛^۲

«اگر به خدا و به آنچه که بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] نازل کرده ایم ایمان آورده اید...»

۳- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾؛^۳

«بزرگوار و پربرکت است آن

۱. بقره/۲۳.

۲. انفال/۴۱.

۳. فرقان/۱.

۴. النجم/۱۰.

اهداف بعثت پیامبران الهی است. خداوند متعال در سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛^۳ «ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.»

همچنین خداوند متعال از زبان پیامبر گرامی اسلام در سوره شوری می‌فرماید: «وَأَمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»؛^۴ «من برای اجرای عدالت در میان شما مأمور شده‌ام.»

و در آیات متعددی قرآن از عدالت خواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که یکی از اهداف بعثت آن حضرت نیز می‌باشد سخن گفته و مردم را به تبعیت از آن بزرگوار ترغیب و تشویق می‌کند. عدالت‌طلبی در تمام زوایای زندگی انسان نقش دارد و گستره آن به گفتار و رفتار و روابط انسان،

یکی از همسران آن حضرت به وی گفت: یا رسول الله! چرا به خود اینقدر زحمت می‌دهی، در حالیکه یک بنده آمرزیده هستی.

پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «أَوَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟»^۱ آیا بنده شکرگزار نباشم.

خداوند متعال در برخی از آیات برای عبادت و بندگی پیامبر گرامی اش چنین رهنمود می‌دهد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»؛^۲ «نماز را از زوال خورشید (هنگام اذان ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) به پادار؛ و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را؛ زیرا قرآن فجر مورد شهادت [فرشتگان شب و روز] است. و پاسی از شب را [از خواب برخاسته و قرآن و نماز بخوان و] عبادت کن. این یک عمل نافله برای توست. امید است که خداوند متعال تو را به این وسیله به مقامی محمود (و در خور ستایش) برانگیزد.»

۶- عدالت خواهی

عدالت خواهی یکی از مهمترین

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۹۹.

۲. اسراء/ ۷۹ و ۸۰.

۳. حدید/ ۲۵.

۴. شوری/ ۱۵.

أَسْنَانِ الْمِشْطِ، لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ
وَلَا لِلْأَخْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛^۳ همه
مردم از زمان حضرت آدم تا به امروز
همانند دانه‌های شانه [مساوی و برابر]
هستند. عرب بر عجم و سرخ بر سیاه
برتری ندارد مگر به تقوی.

پیامبر اسلام در اجرای قانون
عدالانه الهی اهتمام خاصی داشت و
اگر کسی از آن حضرت تقاضای
غیرقانونی و غیراصولی می‌کرد،
شدیداً ناراحت می‌شد. هنگامی که
بعضی از همسران آن حضرت بعد از
جنگ احزاب در مورد تقسیم غنائم
جنگی از آن بزرگوار تقاضای
غیرمعقول و خلاف عادت کردند، آن
بزرگوار ناراحت شد و ۲۹ روز تمام از
آنان فاصله گرفت. خداوند متعال نیز به
این مناسبت آیاتی را بر آن حضرت
نازل کرد و خطاب به پیامبر ﷺ فرمود:
﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ أَجِدُكَ إِن كُنْتُمْ تُرَدُّنَ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنْتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ

معاملات، خانواده، دوستان، فرزندان،
همکاران و حتی سایر ملل نیز کشیده
می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذَا
قُلْتُمْ فَأَعْدِلُوا﴾؛^۱ «و هنگامی که سخنی
می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید.»
پیامبر اکرم ﷺ آنچنان به این مسئله
حیاتی اهمیت می‌داد که حتی در نگاه
کردن به دیگران عدالت را رعایت
می‌نمود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُقَسِّمُ لِحَفَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ
فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَيَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّوِيَّةِ؛^۲ رسول
خدا ﷺ نگاه خود را در میان اصحاب
بطور مساوی تقسیم می‌کرد، گاهی به
این و گاهی به آن دیگری به طور
مساوی نگاه می‌کرد.»

پیامبر اکرم ﷺ در یک منشور
جهانی عدالت خواهی و تساوی
حقوق انسانها را در جوامع اعلام کرده
و ملاک احترام به حقوق بشر را معین
نمود. آن مسنادی راستین عدالت و
آزادی هنگامی که مشاهده کرد یکی از
اصحاب عرب وی، سلمان فارسی را
بخاطر غیر عرب بودن تحقیر می‌کند،
در کلمات حکیمانه و معروفی فرمود:
«إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ

۱. انعام/۱۵۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۰؛ الکافی، ج ۲،
ص ۶۷۱.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۹.

این کوه دشمنان موضع گرفته‌اند و قصد جان و مال شما را دارند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ همگی گفتند: آری، زیرا مادر طول زندگی از تو دروغی نشنیده‌ایم.^۳

حضرت خدیجه نیز هنگامی که پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می‌داد و شیفتگی خود را به آن وجود گرامی اعلام می‌نمود با تاکید بر امانت و صداقت آن بزرگوار، چنین گفت: «إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَسِطَتِكَ فِي قَوْمِكَ وَأَمَانَتِكَ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ»^۴ به خاطر خویشاوندیت و بزرگواریت در میان قوم خودت و امانتداری تو و اخلاق نیک و راستگوئیت، مایلم با تو ازدواج کنم.»

در این میان تصریح آیات الهی و تاکید کلام و حیانی قرآن بر صداقت و راستی و امانتداری آن حضرت حلاوتی دیگر دارد. برخی از آیاتی که

وَأَسْرَحُكُمْ سَرَا حَاجِمِيلاً؛^۱ «ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، بیایید [با هدیه‌ای] شما را بهره‌مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم.»^۲

و به این ترتیب پیامبر اکرم ﷺ حتی به نزدیکترین افراد خانواده‌اش نیز اجازه نداد از قانون الهی تخلفی کرده و عدالت اجتماعی را در حکومت اسلامی آن حضرت خدشه‌دار سازند.

۷- راستی و امانتداری

امانتداری و صداقت پیامبر اکرم ﷺ نه تنها یاران و پیروان آن حضرت را شیفته ایشان نموده بود بلکه دشمنان نیز به این حقیقت اذعان داشته و صداقت آن بزرگوار را می‌ستودند. سه سال از بعثت می‌گذشت که حضرت رسول ﷺ روزی در کنار کوه «صفا» روی سنگ بلندی قرار گرفت و با صدای رسایی قشرهای مختلف مردم مکه را به سوی خویش فرا خواند، آنگاه خطاب به مشرکین و سایر مردم فرمود: ای مردم! هرگاه من به شما گزارش دهم که پشت

۱. احزاب/۲۸.

۲. تفسیر صافی، ذیل همین آیه.

۳. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۳.

۴. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۰ و

۲۰۱.

مکه مخفی شده بود، به امام علی علیه السلام سفارش نمود که یا علی! فردا در اجتماعات مردم مکه، صبح و شام با آوای بلند بگو: «مَنْ كَانَ لَهُ قَيْلٌ مُحَمَّدٍ أَمَانَةٌ أَوْ دَبْعَةٌ فَلْيَأْتِ فَلْتُوَدِّ إِلَيْهِ أَمَانَتُهُ؛^۴ هر کس پیش محمد امانتی دارد بیاید امانتش را بازستاند.»

خداوند متعال در مورد ویژگیهای انسانهای وارسته و با ایمان می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛^۵ و آنان که به امانتها و عهدو پیمانهای خود وفا می کنند.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسوه کامل و نمونه بارز انسانهای وارسته و دارای تمام کمالات و ویژه اخلاقی بود.

صداقت و امانتداری از منظر رسول گرامی اسلام آنچنان مهم بود که به عنوان معیار برای برتری یارانش محسوب گردید. امام صادق علیه السلام در این مورد فرمودند: «إِنَّ عَلِيًّا علیه السلام إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ

به امانتداری و راستی پیامبر عظیم الشان اسلام اشاره دارند عبارتند از:
۱- «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ؛^۱ بگو: من نمی گویم خزائن خدا نزد من است و من [جز آنکه خدا به من پیامورد] از غیب آگاه نیستم و به شما نمی گویم من فرشته ام.»

۲- «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛^۲ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید و آنچه می گوید چیزی جز وحی الهی که [بر او] نازل می شود نیست.»

۳- «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ؛^۳ قلب [پاک حضرت محمد صلی الله علیه و آله] در آنچه دید هرگز دروغ نگفت.»

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در امانتداری آنچنان شهره بود که حتی دشمنانش بعد از بعثت آن حضرت، با این که نقشه قتلش را طراحی می کردند، همچنان با لقب «امین» او را می شناختند و در امانتداری اش لحظه ای تردید نکردند و در شب هجرت امانتهایی نزد آن گرامی داشتند. رسول الله صلی الله علیه و آله در غار ثور در عین حالی که از ترس مشرکین

۱. انعام/۵۰.

۲. النجم/۳ و ۴.

۳. همان/۱۱.

۴. بخار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۲.

۵. مؤمنون/۸.

فرمود: چند روز در مدینه بمانید تا با مراقبت مسلمانان بهبودی یافته و به منطقه خود برگردید. آنان گفتند: یا رسول الله! اگر ما را در خارج از شهر مدینه اسکان دهید برایمان بهتر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن پذیرش تقاضای آنان به تنی چند از مسلمانان مأموریت داد تا تعدادی از شتران بیت المال را در چراگاههای اطراف مدینه نگهدارند و از شیر آنها افراد بیمار بنی ضبّه را پذیرایی و پرستاری کنند و از آنان مراقبت نمایند.

این افراد با حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت کوتاهی سلامتی خود را باز یافتند، اما بجای قدردانی از آن حضرت و یارانش - از آنجایی که باطنی خبیث و دلی مریض داشتند - سه تن از نگهبانان شترها را کشته و به همراه شتران فرار کردند. هنگامی که این خبیر ناگوار به پیامبر گرامی رسید، علی علیه السلام را مأمور دستگیری آنان نمود. امیر مؤمنان علی علیه السلام این خطاکاران

بِهِنَّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛^۱ یقیناً علی علیه السلام با راستگویی و امانتداری به آن درجه و عظمت در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسید.

قاطعیت و شهامت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اجرای حدود الهی و قاطعیت در برابر قانون شکنان اهتمام خاصی داشت. آن حضرت در عین حالیکه به اهل ایمان و مظلومان و ستمدیدگان رئوف و مهربان بود، در مقابل کفار و اشرار، با شجاعت و شهامت تمام ایستادگی می نمود. خداوند متعال در این مورد می فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛^۲ «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند.» داستان زیر نشانگر قاطعیت آن حضرت در مقابل متجاوزان و قانون شکنان می باشد.

گروهی از طایفه بنی ضبّه به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده و ضمن شکایت از بیماری خود، از آن بزرگوار استمداد کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنان

۱. الکافی، کتاب الایمان والکفر، باب الصدق و

اداء الامانة، حدیث ۵.

۲. الفتح/۲۹.

گذشت، ساده زیستی، سخاوت و نیکی به دیگران، کرامت نفس و بشیر و نذیر بودن، از جمله سایر صفات ستوده حضرت خاتم الانبیاء ﷺ است که در آیات الهی به آنها اشاره شده است.

در حدیث دیگران

این مقال را با نقل ابیاتی از سروده معروف شبلی شَمِیل از دانشمندان برجسته جهان مسیحیت، که در ستایش عظمت حضرت رسول ﷺ سروده است به پایان می بریم:

إِنِّي وَإِنْ أَلَكُ قَدْ كَفَرْتُ بِدِينِهِ

هَلْ أَكْفَرْتُ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ

«من گر چه مسلمان نیستم اما آیا

می توانم به آیات محکم قرآن کفر

ورزم؟!»

أَوَمَا حَوَتْ فِي نَاصِحِ الْأَلْفَاظِ مِن

حِكْمِ زَوَادِعِ لِسَاهَوِي وَعِظَاتِ

«یا به پندها و اندرزهایی که در آن

آیات آمده است و همه بازدارنده نفس

از هوس و هوس، و در لباس

شکوهمندترین واژه‌ها می باشند منکر

شوم؟!»

متجاوز را در نزدیکیهای مرز یمن بازداشت کرده و به حضور پیامبر ﷺ آورد. در این لحظه پیک وحی نازل شده و احکام آنان را به رسول خدا ابلاغ نموده و فرمود: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُخَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ»^۱ «کیفر آنان که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند و در روی زمین اقدام به فساد می کنند این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنها به عکس یکدیگر بریده شود و یا از سرزمین [خود] تبعید گردند.»

حضرت خاتم الانبیاء ﷺ از میان

این چهار حکم، قطع دست و پا را

انتخاب کرد و دستور داد دست و پای

آنها را بر خلاف یکدیگر (دست

راست و پای چپ یا بالعکس) قطع

کنند.^۲

اصرار بر اجرای قوانین الهی،

حیاء و ادب، جوانمردی، سرمشق و

الگو بودن برای انسانهای سعادت جو

و حقیقت طلب، امی بودن، تواضع،

۱. مانده/۳۳.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۲۴۵.

کسانی که خود را وقف
اصلاح جامعه کرده و برای
سعادت افراد آن از هیچ
کوششی فروگذار نمی‌کنند
و با دلسوزی و عشق و
علاقه به انجام وظایف
محوه می‌پردازند، بدون
تردید جایگاه خود را در
جامعه و دل‌های مردم
تحکیم بخشیده و ارتباط
نزدیکتری با مخاطبان
خود پیدا می‌کنند

وَسْرَائِعَ لَوْ أَنَّهُمْ عَقَلُوا بِهَا
مَا تُقِيَدَ الْعِمْرَانُ بِالْعَادَاتِ
«یا به قوانینی که اگر مردمان آنها را
درک می‌کردند برای تحقق بخشیدن به
عمران [و تمدن جهان]، همه آیینها و سنتها
را جز تعالیم اسلام کنار می‌گذاشتند،

می‌توانم بی تفاوت باشم؟!»
نِعْمَ السُّدَّيْرُ وَالْحَكِيمُ وَأَيُّهُ
رَبُّ الْقَضَاخَةِ تَمْطَقِي الْكَلِمَاتِ
«[محمد] بهترین تدبیر کننده و
بهترین حکیم بود. او خدای فصاحت
و [گوینده] گزیده‌ترین سخنان است.»
رَجُلٌ الْحِجَا رَجُلٌ السِّيَاسَةِ وَالذُّهَا
بَطَّلَ حَلِيفَ النَّضْرِ وَالغَارَاتِ
«[محمد] یگانه مرد خردورزی،
کشورداری و هوشمندی بود و قهرمان
هم پیمان با پیروزی بر سپاه کفر است.»
بِبِلَاغَةِ الْقُرْآنِ قَدْ غَلَبَ النَّهْيُ
وَبِسِنْفِهِ أَنْحَى عَلَى الْهَامَاتِ
«[محمد] با بلاغت قرآن، بر همه
خردها و اندیشه‌ها چیره گشت و سرها [ی
دشمنان ارزشهای انسانی] را زیر سایه
شمشیر گرفت.»
مِنْ دُونِهِ الْأَبْطَالُ مِنْ كُلِّ السُّورِ
مِنْ غَائِبٍ أَوْ حَاضِرٍ أَوْ آتٍ
«قهرمانان تاریخ بشر چه گذشتگان،
چه آنان که اکنون حاضرند و چه آیندگان،
[همه و همه] در پایه‌ای فروتر و پایین‌تر از
مرتبت او جای دارند.»